

تحلیل گفتمان و تأثیر آن بر آثار نقاشان زن دهه‌های ۷۰ و ۸۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۷

کد مقاله: ۶۶۱۳۰

مژگان شادی بدابی^{۱*}، محمد شهیدی کسمایی^۲

چکیده

تحلیل گفتمان رویکردی جامعه‌شناختی است که به بررسی الگوهای زبانی درون‌متنی و ارتباط زبان و بافت‌های اجتماعی و فرهنگی که متن در بستر آن‌ها به کار می‌رود، می‌پردازد. هدف از این مقاله بررسی آثار نقاشی زنان هنرمند ایران در دو دهه ۷۰ و ۸۰ با استفاده از تحلیل گفتمان انتقادی است. سؤال اصلی این است که آثار نقاشی زنان بر اساس تحلیل گفتمان انتقادی چگونه ارزیابی می‌شود؟ و در بخش بعدی با بررسی تعدادی از آثار هنرمندان زن در دو دهه مذکور، بر مبنای گفتمان‌های هنری، اجتماعی، مذهبی، سیاسی،... و تأثیر آن‌ها بر گفتمان هنرمندان زن (فمینیسم) می‌پردازیم. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، اینترنتی و آرشیوی، به نتایجی دست یافت که در آن مشخص گردید گفتمان‌های سیاسی، مذهبی بیشترین تأثیر را در آثار هنرمندان زن داشته است. و تغییر گفتمان‌های حاکم در دو دهه، گفتمان نقاشان زن را دچار تغییر و تحول کرده است.

واژگان کلیدی: تحلیل گفتمان انتقادی، زنان هنرمند، نقاشی، فمینیسم، هنر ایران

۱- کارشناسی ارشد پژوهش هنر (نویسنده مسئول)

m.shadi.art.r@gmail.com

۲- کارشناسی ارشد پژوهش هنر

تحلیل گفتمان به شیوه‌هایی از کارکرد زبان توجه دارد که جهان‌بینی و تعابیر متفاوتی را آشکار می‌سازد. همچنین بررسی می‌نماید که چگونه، کارکرد زبان از نحوه‌ی ارتباط مشارکین گفتگو با یکدیگر تأثیر و از سوی دیگر، بر تأثیر کارکرد زبان بر هویت‌های اجتماعی و روابط نیز توجه دارد. تحلیل گفتمان بررسی می‌نماید که جهان‌بینی و هویت‌های مختلف چگونه به واسطه‌ی کارکرد گفتمان شکل می‌گیرند. این رویکرد هم متون گفتاری و هم متون نوشتاری را مورد مطالعه قرار می‌دهد. اما تحلیل گفتمان متن (اثر هنری) بدون لحاظ کردن سبک هنری امری دشوار بنظر می‌رسد. با در نظر گرفتن تحلیل سبک به عنوان بخشی از تحلیل گفتمان می‌توان سبک را نوعی تنوع و گوناگونی در سطح بیانی گفتمان در نظر گرفت. حال آن که تحلیل گفتمان انتقادی به مثابه فراتر رفتن از سبک و متن می‌باشد. در تحلیل سبک ما به دنبال تفسیر متن در زمینه تاریخی و فرهنگی آن هستیم اما در تحلیل گفتمان انتقادی پارا فراتر گذاشته و به دنبال زمینه‌های تولد متن هستیم. هنرمندان با خلق هر اثری دنیای مورد نظر خود را با دیگران به اشتراک می‌گذارند و به نوعی با محیط پیرامون خود وارد گفتگو می‌شوند. منتقدین و تاریخ نگاران در طول تاریخ به شیوه‌های گوناگون از آثار هنرمندان نوشته‌اند و آن‌ها را به سبک‌ها، مکتب‌های مختلف دسته‌بندی کرده‌اند. اما با گسترش علم جامعه‌شناسی به عنوان پلی میان رشته‌ای دیدگاه‌های نوینی پا به عرصه هنر گذاشته شد، که نوع نگاه منتقدین را چند بعدی ساخت. تحلیل گفتمان یکی از آن پدیده‌های جدید است که افق دید وسیع‌تر را به روی هنر و هنرمندان و منتقدین و دنیای هنر، در درنیای مدرن می‌گشاید. بنابراین باید تأکید کرد که هدف تحلیل گفتمان، تحلیل معنای متن نیست، بلکه تحلیل شرایطی است که این معنا تولید می‌شود و از همین رو به تحلیل نهادهای مولد معنا و بازتولید کننده گفتمان پرداخت می‌شود. در تحلیل و بررسی آثار هنری، با توجه به اینکه ریشه اثر هنرمند و چگونه شکل‌گیری شخصیت هنرآثری ساخته و برساخته جامعه آن و انواع گفتمان‌های موجود در آن است، می‌تواند از بسیاری جهات مهم باشد. با بررسی آثار به شیوه تحلیل گفتمان انتقادی همه اعضای فعال در میدان هنر، خصوصاً هنرمند کمک می‌کند تا با شناسایی و ارتباط با گفتمان‌های دیگر هر چه بهتر با دنیای پیرامونش ارتباط برقرار کند و با آن‌ها وارد دیالوگ شود. در نتیجه تحلیل گفتمان به ما امکان بررسی آثار هنری را با توجه به فضای گفتمانی هنرمند را خواهد داد. بررسی آثار (تجسمی) زنان هنرمند از آن رو حائز اهمیت است که امروزه حضور گسترده زنان در جامعه هنری سرعتی روزافزون بخود گرفته است. میل زنان در مشارکت امور فرهنگی - هنری هر جامعه‌ای اگر نگوئیم بیشتر از مردان است، کمتر هم نیست. از طرفی زنان و مردان بنا به نوع زیست خود نسبت به محیط واکنش متفاوت از یکدیگر دارند که همین، نوع آثارشان را متمایز از آثار یکدیگر می‌کند. از این رو در این مقاله با تحلیل آثار هنری (نقاشی) زنان هنرمند ایران در دو دهه ۷۰ و ۸۰ قصد داریم به این سوال‌ها پاسخ بدهیم که انواع گفتمان‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی - هنری، مذهبی، فمینیسم و ... چه تأثیری بر گفتمان و آثار نقاشان زن بوجود می‌آورد؟

۲- تحلیل گفتمان

تحلیل گفتمان بر دانش زبانی فراتر از واژه، بند، عبارت و جمله تأکید دارد که برای ایجاد یک ارتباط موفق ضروری می‌نماید، این رویکرد، به بررسی الگوهای زبانی درون متنی و نیز ارتباط میان زبان و بافت‌های اجتماعی و فرهنگی که متن در بستر آن‌ها به کار می‌رود می‌پردازد. تحلیل گفتمان به شیوه‌هایی از کارکرد زبان توجه دارد که جهان‌بینی و تعابیر متفاوتی را آشکار می‌سازند و همچنین بررسی می‌نماید که چگونه کارکرد زبان از نحوه‌ی ارتباط مشارکین گفتگو با یکدیگر تأثیر می‌پذیرد و از سوی دیگر، بر تأثیر کارکرد زبان بر هویت‌های اجتماعی و روابط نیز توجه دارد. تحلیل گفتمان بررسی می‌نماید که جهان‌بینی و هویت‌های مختلف چگونه به واسطه‌ی کارکرد گفتمان شکل می‌گیرند. این رویکرد هم متون گفتاری و هم متون نوشتاری را مورد مطالعه قرار می‌دهد. (پالتریچ، ۱۳۹۵: ۱۴) نورمن فرکلاف که استاد زبان در زندگی اجتماعی در دانشگاه لنکستر انگلیس رویکردش را مطالعه‌ی انتقادی زبان می‌نامد. وی سه سطح را در مطالعه گفتمان به کار می‌گیرد: سطح اول، گفتمان به مثابه متن؛ سطح دوم، گفتمان به مثابه تعامل بین فرآیند تولید و تفسیر متن؛ سطح سوم، گفتمان به مثابه فضای کنش است. بر این اساس او تحلیل گفتمان را در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین قرار می‌دهد که منطبق بر آن می‌توان سطوح گفتمان هنر را توضیح داد: الف) مرحله توصیف، شامل مطالعه ویژگی‌های صوری متن است یعنی مطالعه واژگان، قواعد دستوری و ساخت‌های متنی، عناصر بصری مانند خط و رنگ، کمپوزیسیون، کنتراست و ... ب) تفسیر متن ترکیبی از محتوی متن و ذهنیت مفسر است. در واقع این سطح از تحلیل گفتمان شامل تحلیل ویژگی‌های ژانر و سبک متن است. ج) هدف از مرحله تبیین، تحلیل گفتمان به عنوان بخشی از یک فرآیند اجتماعی است؛ در این مرحله به روند مبارزه و مناسبات قدرت در سه سطح سازمان اجتماعی، نهادی و موقعیتی پرداخته می‌شود (مریدی، ۱۳۹۳: ۷۰-۸۰). در مجموع می‌توان گفت: تحلیل گفتمان در رویکرد جامعه‌شناختی، به جای پرداختن به اثر هنری یا رمزآمیزی کار هنرمند یا چگونه دریافت و تفسیر مخاطب، به تحلیل "فضای کنش هنری" می‌پردازد.

۳- گفتمان و زنان هنرمند ایران

با ورود نوگرایی به ایران، نقاشان زن تلاش فراوانی برای تثبیت هویت حرفه‌ای خود در پیش گرفتند و اندیشه‌های گوناگونی را نمایندگی کردند. اما با بررسی مهمترین رویدادهای هنری متوجه میشویم که اغلب آثار زنانی مورد پذیرش جامعه و تاریخ هنر

واقع شد که به نوعی با مدرنیسم مردانه همراه شدند و متأثر از گفتمان مسلط به نقاشی پرداختند. از همین رو، زنان نقاشی که متأثر از مدرنیسم مردانه به جنسیت زدایی از آثارشان پرداختند، یا به بازتولید کلیشه های مردانه تاکید ورزیدند، بیشتر مورد پذیرش قرار گرفتند. اگرچه آنهایی که اندیشه های بازاندیشانه را رقم زدند و به مقابله با نگاه خیره پرداختند و به ذهنیت و فردیت «زن» ارج نهادند، راه نو پیش روی تاریخ نقاشی زنان ایران گذاشتند. حال اگر آثار این دسته کمتر دیده شده و کمتر مورد ارزیابی قرار گرفته است، باید مشکل را در جایی جست که تاریخ نگاری مردانه را جلوه گر می‌سازد. جامعه هنر ایران تا پیش از انقلاب اسلامی بسیار مردانه بود و حتی با گذار از قاجار به پهلوی و رشد حضور زنان در جامعه، زنان نقاش کمی را در محافل و گروه های مهم هنر می بینیم. (علی مددی، میردی، ۱۳۹۶: ۹۰-۹۲) با وقوع انقلاب اسلامی، فعالیت های نقاشان، مدرنیست تحت شعاع قرار گرفت و با تغییر نگرش سیاسی و همچنین آغاز جنگ ایران و عراق بسیاری از هنرمندان ترک وطن را به ماندن ترجیح دادند. در دوران پس از جنگ علی رغم فعالیت ها و مشارکت زنان فعال زنان و غالب بودن گفتمان های مذهبی و سیاسی و در حاشیه قراردادن آن ها موجب شد تعداد بسیاری از زنان نقاش پس از مدتی میدان هنر را ترک کنند. اگر چه دلایل مالی، تعارض نقش های سنتی، تلقی تفسیری بودن هنر و جدی گرفته نشدن اثرشان از طرف جامع مردانه از جمله عوامل موثر بر عدم پذیرش زنان در میدان حرفه ای هنر بوده و هست. همچنین مشغولیت به امر آموزش و تعهد به آن کار و پرداختن به فعالیت های هنری دیگر نیز جدیت و تمرکز بر نقاشی کردن از جانب زنان را تحت الشعاع قرار می دهد. البته اطلاعات محدود و ناقص ما نشان دهنده جایگاه حقیقی زنان هنرمند ما را در بر نمی گیرد. «در طول تاریخ ایران به وفور تصویر زنان را مشاهده می کنیم، اما بسیار کم به نام زن هنرمندی بر می خوریم.» (اردکانی، ادراکی، ۱۳۹۵: ۹). و این همان دست مردانه تاریخ نویسی است که قرن هاست در مطالعات تاریخ اعمال شده است و می توان گفتمان مردسالارانه را از مهمترین و تاثیرگذارترین گفتمان های جاری در جامعه، خصوصا جامعه هنری قلمداد کرد که در کشور ایران هنوز کما فی السابق هم چنان ادامه دارد.

۴- گفتمان و آثار زنان نقاش ایرانی در دهه ۱۳۷۰



تصویر (۱)، معصومه مظفری

در پی تلاش های گفتمان فمینیستی در اواخر دهه ۱۳۶۰ و نیمه اول دهه ۱۳۷۰، از نیمه دوم دهه ۱۳۷۰ ما شاهد بازنگری در آثار هنرمند زنان هستیم. در تاریخ نقاشی ایران، از زنان تصویری تغزلی، اسطوره ای، نمادین، تربینی و مثالی آمده است. با توجه به مقاله حاضر، به طور کلی، می توان در باب نقاشی زنان دهه ۱۳۷۰ به موارد مختصری اشاره کرد. در این دوره، هنرمند سوژه آثار خود را زنان طبقه شهری و زنان روشنفکر زمان خود قرار می دهد. انسان معاصر در نظام شهری مدرن برای او در اولویت قرار دارد. هنرمند توجه به نظام خانوادگی را با زبانی انتقادی همراه می‌سازد. گفتمان غالب در این آثار در بیشتر مواقع از تجربیات هنرمند و از زندگی و دنیای او نشأت می گیرد. هنرمند به اغتشاشات دنیای خود و ازدحام و پیچیدگی زمانه اش می پردازد. اما، یکی از سوژه های تقریبا مشترک در این آثار اشاره به تنهایی افراد و سردرگمی انسان در دنیای موجود است. (تصویر ۱)

نقاش در این میان نیز به محدودیت هایی که نظام دینی برای زنان قائل می شود اشاره های متفاوتی می کند و افسردگی و خشونت و فقدان آزادی را دست مایه آثار خود می کند (تصویر ۲). زنان نقاش به نمایش کنش هایی همچون استرس، انتظار، گم گشتگی، غلبه محیط بر انسان، افسردگی، بی اهمیتی هویت فردی تمایل نشان داده اند. یکی از نکات در خور توجه در آثار دهه ۱۳۷۰ پرداختن به شرایط و موقعیت های موجود بعد از هشت سال جنگ تحمیلی است. جالب است که هنرمندان، با تاکید بر حصارهای دنیای معاصر، انسان را مطرود و در فضایی تیره و تاریک جسم می بخشند. مسدود بودن فضای زندگی و همچنین نادیده گرفته شدن زنان و رعایت نکردن حقوق ایشان در جامعه ای دینی و مردمحور بارها و در شکل های گوناگون دیده می شود و با دیدگاه های گوناگونی این مسئله توصیف می شود. «از آنجا که نقاشی های زنان، به مثابه متنی اثر گذار در اجتماع، هویت هایی را نیز می سازند، در این دهه، توجه زنان نقاش، بیش از همه، به بی هویتی و سرگردانی انسان در جهان معاصر است؛ هویت ها نامشخص و بی نام و نشان اند و بین او و دیگری تفاوتی وجود ندارد و دیگری های متفاوت با زندگی های یکسان در جهان معاصر حضور دارند. در این دهه، هنگامی که زن سوژه اثر می شود و به تصویر در می آید، شخصیت و ظاهر او کاملا ایرانی است و با پوشش و هویت اسلامی دینی. در این زمینه دو مسئله مد نظر قرار می گیرد: نخست آنکه محیط و ساختارهای موجود چگونه هویت زن را رقم می زند و چگونه نظام در چارچوب نظام موجود حرکت می کند و حجاب و پوشش تا حدودی سختگیرانه تر از نقاشی های دهه ۱۳۸۰ بر تصاویر غلبه دارند. (تصویر ۳) پنهان کاری افراد در جامعه شهری، تعریف هویت فرد در تکنولوژی و زبان، و تسلط باید و نباید های محیط بر فرد و نظام جنسیتی و دوقطبی از مسائلی است که آگاهانه یا ناآگاهانه توجه هنرمندان را به خود جلب کرده است... هر متن با درون و بیرون خود روابطی برقرار می‌سازد. در آثار نقاشی زنان نیز می توان این روابط را بازشناسی کرد. همانگونه که هنرمند تحت تأثیر فضای زیسته و دنیای پیرامونش به تفسیر زیبایی ها و زشتی ها می پردازد، هنگامی که هویت فرد در جامعه مدرن و تنهایی و بلاتکلیفی جزو موضوعات اولیه قرار می گیرد، سردی در روابط نیز و فقدان همدردی در

روابط انسانی حضور می‌یابد. اما، از طرف دیگر، افراد در رابطه پیچیده‌ای با افکار و دنیای درونی خود هستند. رابطه غالب و مغلوب مرد و زن، رابطه بازتولید سنت در فضای معاصر، رابطه فرد با گذشته تاریخی اش و رابطه انسان با الگوهای اساطیری افق‌هایی است که در این آثار شاهدیم.



تصویر (۲)، رزیتا شرف جهان



تصویر (۴)، آریا اقبال

تصویر (۳)، رزیتا شرف جهان

پیوند زن و خانه، پیوند فرد با اجتماع، پیوند سوژه درون اثر با مخاطب، توجه به رابطه زن و زایش، نیاز انسان به نیایش، پیوند نامتجانس مدرنیسم با سنت‌ها، و پیوند زن با پوشش اجباری یکی دیگر از ارکان تحلیل آثار است که بر آن‌ها تاکید شده است. اما از مواردی که هنرمندان مکرر در آثار خود بر آن تاکید می‌کنند و مخاطب را در خوانش متن خود بدان هدایت می‌نماید توجه به این مطالب است که نباید اجازه داد حجاب واقعیت‌ها را بپوشاند؛ اشاره به اینکه حصار تنگ درونی خود کشیده شده و محکوم به ندیدن و نگفتن است و در کنار همه این زنان به اعتراضات غیرعلنی و خاموش خود ادامه می‌دهند. زنان نقاش، با مهارت و بهره‌گیری از نمادها و آرکی تایپ‌ها، ما را به بافت اصلی و محتوای چنین مطالبی سوق می‌دهند و به اجماع به این مسائل اشاره می‌کنند. سمبل‌ها و نشانه‌هایی همچون نمادهای مذهبی، تضادهای رنگی در اطراف زن و مرد، مسدود بودن فضای زنان، آشفته‌گی‌های فضای اثر، خشم و اضطراب افراد، (تصویر ۴)

بسته شدن چشم‌ها و دهان‌ها، و... نمونه‌هایی از این اشارات است به محتواهای مهم تر. گفتمان غالب در آثار زنانه، فمینیستی، و با بار جنسیتی است؛ زیرا جنسیت را نمی‌توان از شخصیت و بود هیچ بشری جدا ساخت و این مسئله متضمن هیچ نیک و بدی نخواهد بود. توجه به گفتمان شهرنشینی، اجتماع معاصر، دنیای صنعتی، مردم‌محوری، سانسور و تسلط قدرت از موارد دیگر گفتمان درونی این متون است. در همین زمینه، در مواردی نیز به گفتمان‌های دینی جامعه و دین‌سالاری، گفتمان درونی خانواده، نزاع و فضاهای سنتی اشاره شده است. «(اردکانی، ادراکی، ۱۳۹۵: ۱۸-۲۲)

۵- گفتمان و آثار زنان نقاش ایرانی در دهه ۱۳۸۰



تصویر (۵). معصومه مظفری، از

مجموعه گرامزدگی، ۸۹

پس از انقلاب اسلامی، روند حرکت هنر دچار اندکی وقفه شد (به علت تحولات پس از انقلاب و آغاز هشت سال جنگ تحمیلی)، اما نقاشی ایرانی، پس از مدتی فترت، جانی دوباره گرفت و از ابتدای دهه ۱۳۷۰، فضایی گسترده و باز در برابر سلاطین مختلف هنری ایجاد شد. در میان این گروه‌ها، همچنین حضور گسترده زنان در بینال‌های معاصر نشانه‌ای از فعالیت گسترده زنان در عرصه هنر نقاشی است. بدین ترتیب، در بینال‌های بعدی شاهد حضور زنان در میان هیئت‌داوران هستیم؛ این نشان می‌دهد که چگونه با گذر زمان و تلاش مستمر زنان جایگاه آن‌ها در میدان هنر و نقاشی ارتقا یافت. البته نباید نقش آموزش‌های آکادمیک را نادیده گرفت. حضور گسترده زنان را در عرصه‌های آموزش و دانشگاهی چه در مقام استاد چه در مقام شاگرد را در دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ شاهدیم. در میان همه این فعالیت‌ها، زنان برای به دست آوردن هویتی مستقل و به دور از هر گونه وابستگی سال‌ها تلاش کرده‌اند؛ نگاهی گذرا به تاریخ هفتادساله هنر مدرن ایران نشان‌دهنده آن است.

در دهه‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ به جز چند زن هنرمند، همچون منصوره حسینی، ایران درودی، و بهجت صدر، شاید نتوان زن هم‌دوره‌ای دیگر را نام برد، ولی امروزه زنان و دختران هنرمند بسیاری در عرصه نقاشی فعالیت می‌کنند. همچنین در سال‌های اخیر، تلاش برای ارتباط با صحنه هنر بین‌المللی، که با تغییرات فرهنگی و سیاسی کشور موازی بود، باعث نمایش آثار مختلف هنرمندان ایرانی در بینال‌ها و حراج‌های معتبر دنیا شد و حضور زنان را در این عرصه نمی‌توان نادیده گرفت. بدین ترتیب می‌توان گفت زن ایرانی به رکنی از تحولات اجتماعی تبدیل شده است. (همان، ۱۱ تا ۱۳). دهه ۱۳۸۰ با حضور گسترده نقاشان زن و سوژه‌های زن محور در هنر همراه بود که گفتمان مسلط و فرهنگ بصری مردانه را به چالش می‌کشیدند (مریدی، ۱۳۹۷: ۲۷۸)



تصویر (۶). نیلوفر قادری نژاد



تصویر (۷). فرشته ستایش



تصویر (۸). ساغر دبیری از مجموعه پاساژهای

تهران، ۱۳۸۸

موقعیت تازه زنان در دهه ۱۳۸۰ که ناشی از ارتقا سطح تحصیلات و افزایش اشتغال و استقلال مالی آنان و در نهایت بازنگاری در انتظارات سنتی از زن بود، به گسترش گفتمان زن محور مجالی تازه داد. زنان هنرمند پیشتاز مقابله با ایدیولوژی بصری و انتظارات سنتی در فرهنگ بصری مردانه بودند. آنها به خلق تصاویری پرداختند که ناشی از بازاندیشی هویتی زنان در جامعه ایران بود. (همان، ۲۸۵). در واقع می توان دهه ۱۳۸۰ را نقطه عطفی در بازنمایی زن در نقاشی دانست که این کار توسط خود زنان هنرمند صورت پذیرفت. اردکانی و ادراکی در بررسی آثار هنرمندان زن دهه ۱۳۸۰ نیز اینگونه نتیجه گیری می کنند: محوریت انسان است و بیشتر خود زنان. زنان، به مثابه ابژه، در جایگاه های مختلف روشنفکر، زن طبقه متوسط خانه دار تا زن روستایی_ با زبانی انتقادی، اجتماعی، و استعاره موضوع قرار می گیرند. (تصویر ۵) تأثیر سلطه محیط بر زن، به ویژه در محیط خانواده، و محدودیت هایش در نقش همسر یا مادر به تصویر کشیده می شود. مثلا، بر نقش مادری تأکید می شود که اصالت نام و هویت کودکش را از اسم یک مرد به عاریت می گیرد. علاوه بر این، هنرمندان این دهه بطالت دنیای زنانه، یاس، گوشه نشینی، و مسدود بودن فضای زنان را مطرح می کنند. در کنش های درون متنی بر مسائلی تأکید می شود، همچون روزمرگی، چالش هایی چون کار هر روزه در خانه، نگهداری از فرزندان که روح زن را از اجتماع دور کرده و در خموشی فرو برده. تسلط دنیا بر روح انسان، جنگ ها و نزاع ها، (تصویر ۶) مصلوب شدن روح انسان، و ناتوانی انسان در برابر معضلات اجتماع (تصویر ۷)

از کنش های کلی تری است که زنان نقاش به آن پرداخته اند. جنگ اندازی دنیا بر معصومیت و کودکی دختران، تأکید بر رابطه جنسی، تنزل مقام زن، و اهمیت ندادن به خواست ها و نیازهای او در مقام یک انسان برخی دیگر از کنش های درون متنی است. می توان چنین گفت که بسیاری از متون نقاشی زنان این دوره بر این مسئله تأکید می کنند که ذات و هویت زنان فراموش شده و آن ماهیت اسطوره ای و بینشی که از شخصیت زن تعریف می شود نادیده گرفته شده است؛ و نظام خانواده، اجتماع، نظام سیاسی و شرایط محیطی در این زمینه تأثیر گذارند. (تصویر ۸) (همان، ۲۲-۲۵).

۶- نتیجه گیری

آثار هنرمندان در دهه هفتاد که جامعه در شرایط نزدیکی بیشتر به فضای انقلاب و سپری کردن جنگ تحمیلی بستری کوچک را برای هنرمندان خصوصا زنان فراهم کرده است. هنرمند نگاه تیز و نقادانه اش را در چارچوب قوانین گفتمان رایج که شامل گفتمان های سنتی، مذهبی، انقلابی، فمینیستی، و گفتمان مردسالارانه است، مطرح می کند. در طول دهه ۷۰ شرایط برای کار زنان و بازنمایی موقعیت آنان تغییر کرد. گفتمان های دهه ۷۰ با توجه به حضور گفتمان انقلاب و نیروهای انقلابی و متاثر از جنگ تحمیلی که روحیه جنگی و مبارز بیشتری را به شریان های جامعه تزریق می کردند، و با حضور گفتمان های قدرتمند محافظه کار، از زبان بصری نمادپردازانه و مفهومی بیشتری نسبت به آثار دهه ۸۰ برخوردار هستند. در دهه ۸۰ فضای جامعه با سرکار آمدن جناح اصلاح طلب و دست گرفتن رسانه ها و نهادها توسط گفتمان اصلاح طلب، و همینطور طرح «گفتگوی تمدن ها» فضای هنر کمی گسترده تر شد و زنان در همه زمینه ها مجال حضور بیشتر و بهتری یافتند. در آثار دهه ۸۰ زبان نقد آشکارتر شده و هنرمند موضوعش را صریح تر اعلام می کند و از مونولوگ گویی دهه هفتاد دست شسته و به دیالوگ می پردازد. استفاده از تکنیک قدرتمندتر، رنگ ها روشن تر از دهه قبل بوده و خطوط نرم و ملایم جایگزین خطوط زمخت می شود. هنرمند زن دهه هشتاد اگرچه برای بیان مساله دستی بازتر دارد، و برای بیان چراها و باید و نبایدهای اجباری اش، وارد گفتگو می شود و این را می توان در حضور فیگورهای بیشتر در هر اثر یافت. زن در آثار دهه ۸۰ بر عکس دهه ۷۰، منفعل و مظلوم و ستمدیده نیست، بلکه می داند برای حل کردن باید وارد مبارزه شود یا با حریف قدرتمند وارد مذاکره شود آثار دهه ۸۰ قدرت انتقادی و رئالیسم قوی تر

داشته، و به کمک فضای گفتمانی حاکم با مخاطبین خود وارد گفتگو و تعامل بهتری می‌شود. در مجموع می‌توان چنین نتیجه گرفت که زنان نقاش با بهره‌گیری از گفتمان فمینیسم به مقابله با گفتمان‌های غالب سیاسی و مذهبی پرداخته و به مدد سبک‌ها و تکنیک‌های هنرمندانه خود به نبرد گفتمان مسلط فرهنگ مردانه (گفتمان مردسالارانه) در صلح‌آمیزترین شکل ممکن یعنی با سلاح هنر رفته‌اند.

تشکر و قدردانی

این مقاله بخش کوتاهی است از پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد تحت نظر استاد محمد اعظم زاده. از ایشان کمال تشکر و قدردانی را دارم.

منابع

۱. احمدی، بابک. (۱۳۸۷)، مبانی جامعه‌شناسی هنر. تهران: نی.
۲. آرچر، مایکل. (۱۳۹۴)، هنر بعد از ۱۹۶۰. ترجمه: کنایون یوسفی تهران: حرفه هنرمند.
۳. پالتریچ، برایان. (۱۳۹۵)، درآمدی بر تحلیل گفتمان. ترجمه طاهره همتی تهران: نویسه پارسی.
۴. سلدن، رامان؛ ویدوسون، پیتر. (۱۳۸۴)، راهنمای نظریه ادبی معاصر. ترجمه: عباس مخیر تهران: طرح نو.
۵. سلطانی، علی اصغر. (۱۳۸۴)، قدرت، گفتمان و زبان (سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران). تهران: نی
۶. فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹)، تحلیل انتقادی گفتمان. ترجمه: فاطمه شایسته پیران و دیگران. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۷. کرس میر، کارولین. (۱۳۹۰)، فمینیسم و زیبایی‌شناسی (زن در تحلیل‌ها و دیدگاه‌های زیبایی‌شناختی). ترجمه: افشنگ مقصودی. تهران: گل آذین.
۸. کورسمایر، کارولین. (۱۳۹۵)، زیبایی‌شناسی فمینیستی. ترجمه: نوشین شاهنده. تهران: ققنوس.
۹. کشمیرشکن، حمید. (۱۳۹۳)، هنر معاصر ایران. تهران: نظر.
۱۰. مریدی، محمدرضا. (۱۳۹۳)، هنر به مثابه کار جمعی (مطالعه جامعه‌شناختی نقاشی معاصر ایران). مشهد: بدخشان.
۱۱. مریدی، محمدرضا. (۱۳۹۷)، گفتمان‌های فرهنگی و جریان‌های هنری ایران. تهران: کتاب آبان.
۱۲. مریدی، محمدرضا. (۱۳۹۸)، هنر اجتماعی (مقالاتی در جامعه‌شناسی هنر معاصر ایران). تهران: کتاب آبان.
۱۳. ماینر، ورنون هاید. (۱۳۸۷)، تاریخ هنر (سیری در تاریخ تکوین نظریه هنر). ترجمه: مسعود قاسمیان. تهران: فرهنگستان هنر.
۱۴. مشیر زاده، حمیرا. (۱۳۸۲)، از جنبش تا نظریه اجتماعی (تاریخ دو قرن فمینیسم). تهران: نشر و پژوهش شیرازه
۱۵. هنفلینگ، اسوالد. (۱۳۸۶)، چستی هنر. ترجمه: علی رامین. تهران: نشر هرمس
۱۶. یورگسن، ماریان؛ فیلیس، لوئیز. (۱۳۸۹)، نظریه و روش در تحلیل گفتمان. ترجمه: هادی جلیلی. تهران: نی
۱۷. چراغی کوتیانی، آرام. (۱۳۹۰)، هنر و زیبایی‌شناسی فمینیسم. معرفت فرهنگی اجتماعی، سال ۳
۱۸. شریعتی، سارا؛ راوودراد، اعظم. (۱۳۸۹) "نگاهی جامعه‌شناختی به زنانه شدن عرصه هنر" (پرسشی از تاریخ و نگاه‌های به حال). مطالعات زنان. سال ۸، شماره ۴. زمستان ۱۳۸۹: صص ۷-۲۸
۱۹. علی محمدی اردکانی، جواد؛ ادراکی، مرجان. (۱۳۹۵) "مطالعه صورت‌بندی مولفه‌های آثار نقاشی زنان" (در ایران در دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰). جامعه‌شناسی هنر و ادبیات. دوره ۸، شماره اول. بهار و تابستان ۱۳۹۵: صص ۱-۲۸
۲۰. علی مددی، مهرنوش؛ مریدی، محمدرضا (۱۳۹۶) "تاریخ غایب زنان نقاش ایران" مطالعه جامعه‌شناختی زنان نقاش (از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی). جامعه‌شناسی هنر و ادبیات. دوره ۸، شماره سوم. بهار و تابستان ۱۳۹۶: صص ۷۹-۱۰۷
۲۱. مریدی، محمد رضا. (۱۳۹۱) "بحران سبک و برآمدن تحلیل گفتمان هنر"، مجموعه مقالات دومین همایش بررسی مسائل جامعه‌شناسی هنر ایران. تهران: خانه هنرمندان ایران، موسسه نشر شهر.
۲۲. مریدی، محمدرضا؛ تقی زادگان، معصومه. (۱۳۸۸) "نقاشی زنان؛ نقاشی زنانه" (مقایسه به کارگیری شگردهای بصری و سبک هنری در نقاشی زنان و مردان). پژوهش زنان. دوره ۷، شماره ۱. صص ۱۲۹-۱۴۹
۲۳. تنهایی، حسین ابوالحسن؛ راوودراد، اعظم؛ مریدی، محمدرضا. (۱۳۸۹) "تحلیل گفتمان هنر خاورمیانه: بررسی شکل‌گیری قواعد هنری در جامعه نقاشی معاصر ایران". جامعه‌شناسی هنر و ادبیات. سال دوم، شماره دوم. پاییز و زمستان ۸۹.
۲۴. حسونود، محمدکاظم؛ مهدی پور، فروغ. (۱۳۹۲) "بررسی شش دوره نمایشگاه تجلی احساس". جلوه هنر. شماره ۹، بهار و تابستان ۱۳۹۲: صص ۲۱-۳۰
۲۵. اربابی، بهار. (۱۳۹۳)، "تحلیل بازتاب اجتماعی تصویر زن در آثار دهه هشتاد ایران". پایان‌نامه کارشناسی ارشد. رشته پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه علم و فرهنگ.
۲۶. تاریخ شفاهی فرهنگ و هنر معاصر ایران، WWW. ARTEBOX. IR